

افغانستان

جامعه

پنجشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۹ شماره ۲۲۴۴

صاحب‌امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - **مدیرمسئول:** محمدامین ایمانجانی -**سردبیر:** مسعود فروغی

دفتر مدیرمسئول: ۰۱۶۳۴۸۰۱۶ - **تحریریه:** ۰۱۸۲-۰۱۸-۶۶۷۲۰۱۸ - **فکس:** ۰۱-۶۶۷۲۰۵۱-۶۶۷۲۰۴۷

روابط عمومی: ۰۱۶۶۷۲۰۴۹۹ - **سازمان آگهی‌ها:** ۱۸ و۰۴۶۸۰۶۳۴۸

چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - **توزیع فرهیختگان:** ۰۱۶۳۴۸۰۱۶-۱۳

نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جم‌پوری، روی‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

ضعف دیپلماتیک در مواجهه با افغانستان سبب تشکیل کانون قوی ریزگرد در شرق ایران شده است

از سیستان تا کرمان در غبار



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

شمار روزهایش از دست ما هم در رفته، منتها مردم محلی خوب می‌دانند که چند روز و ماه و سال است که سهم‌شان از هوا گرد و خاک و از زمین بی‌آبی است. من نمی‌دانم در جنوب شرق کشور چه می‌گذرد و چرا کسی به تریخ قیابش هم بر نمی‌خورد که مردم محروم و از همه چیز مانده جنوب غرب کشور، خصوصاً در استان سیستان وبلوچستان و جنوب کرمان مدت‌هاست ربه‌هایشان را با خاک پر می‌کنند و کشاورزی و سرمایه‌هایشان را از دست‌رفته می‌بینند. واقعاً عجیب است، سیستان و بلوچستان تبدیل شده‌اند به ویتربنی برای خودنمایی و گرفتن عکس‌هایی برای روز مبادا و خالی نبودن عریضه که بله، یک روزی هم فلان مسئول و مدیر و نماینده، به این مناطق سری زده و شرق کشور، خصوصاً همان دو استانی که نامش را بردیم، روزبه‌روز درحال پیچیده‌تر شدن است و ساده‌انگاری‌ها و عدم رسیدگی و مدیریت وضع موجود، آینده را بیش از پیش تهدید می‌کند. در همین یک مورد ریزگردها و گردوغباری که همه چیز را گرفته، اگر اقدام موثر و فوری صورت نگیرد، در آینده همه‌چیز را دفن خواهد کرد و اکوسیستم منطقه را به نابودی خواهد کشاند. در سیستان وبلوچستان، شیظنت همسایه‌ها و سدسازی‌های بدون ملاحظه و بی‌محابا ذیل دیپلماسی ضعیف کشور و در کرمان هم اصرار به انتقال آب از هلیل‌رود نگرانی‌های جدی را ایجاد کرده است و یک نفر هم محض رضای خدا پیدا نمی‌شود که حداقل اندک امیدواری تزریق و فضا را از این بی‌تحکی و سستی خارج کند.

سدسازی‌های افغانستان علت اصلی گردوغبار در سیستان وبلوچستان

فرح رود و...- این وضعیت به‌وجود آمد، روی رودخانه فرح‌رود سد بخش آباد را احداث می‌کنند که ظرفیت ذخیره آن حدود ۷۰۰-۶۵۰ میلیون مترمکعب است که در آینده‌به‌بهره‌برداری می‌رسد. دیگر سدهایی که ایجاد شده‌اند در منشارودهای هیرمند هستند که مجموع‌شان باعث کاهش آب سیستان در ۵۰-۴۰ سال گذشته شده است. اخیراً افغانستان اقدام به تکمیل فاز سه سد کمال‌خان کرده که در سال ۱۹۱۷ از طریق قراردادی با یک شرکت ترکیه‌ای با اعتبار ۳۰۰ میلیون دلار شروع کردند و براساس گفته‌ها و شنیده‌ها از مسئولان افغانستان باید در سال جاری به اتمام برسد. این دو وظیفه انجام می‌دهد؛ یکی بحث مدیریت آب و کانال آب است که برای کشاورزی استفاده می‌شود و حدود ۱۱۰ هکتار را در منطقه به زیرکشش خواهد برد و دیگری ذخیره حدود ۵۰ میلیون مترمکعب آب است و حدود هشت مگاوات برق برای شهر نیمروز تولید می‌کند که اینها تا حدودی طبیعی است به‌خاطر اینکه تامین برق داشته باشند، ولی مهم‌تر از همه این است که این آب در موقع سیلاب‌های سهمگین قابل کنترل نبود ووارد دریاچه می‌شد. اخیراً اینها درحال احداث کانال انحرافی از سد کمال‌خان هستند. دنظر بگیرید با اینکه سالانه بخشی از آب به‌صورت شعاری وارد هامون می‌شد، این معضلات را داشتیم، از امسال یا سال آینده که این کانال انحرافی عملیاتی شود، قادر خواهد بود تمام آب ناشی از سیلاب‌ها را به گودزره منحرف کند. این انتقال آب به گودزره یعنی می‌توانند کاملاً ورودی آب به دشت سیستان را ببندند که معضلاتی شدیدتر در آینده ایجاد می‌کند. جالب است بدانید آبی که به گودزره منتقل می‌شود، هیچ‌ارزشی برای آنها ندارد، به‌جز اینکه آب شیرین را به گودالی منتقل می‌کنند که باعث شور شدن آن و غیرقابل استفاده شدنش می‌شود. هرچند در گفته‌های مسئولان آمده که این امر برای کنترل سیلاب است. اما در اصل برای به‌دست گرفتن اهرم فشار در مذاکرات با ایران است. به‌قول خودشان اعمال سیاست‌ها بر ایران است، ولی باید چه کار کنیم؟ آیا هیرمند فقط متعلق به افغانستانی‌هاست یا مردم سیستان هم به‌عنوان بخشی از افرادی که در حوزه رود هیرمند زندگی می‌کنند حق آب دارند؟»

بر اساس قانون کشور بالادست نباید مانع رسیدن آب به پایین‌دست شود

اخیراً با توجه به عنایت مقام‌معهظم‌بهبری در منطقه حدوداً یک‌میلیارد دلار برای انتقال آب هزینه کرده که در راستای افزایش راندمان مصرف آب است. درواقع آب کمتری را در کشاورزی مصرف کنند، ولی افغانستان بدون توجه‌به این سرمایه‌گذاری ایران جلوی آب را گرفته وهمین‌طور ادامه می‌دهد. این‌یک بعد است که باید‌بگیریم‌باشیم. به گفته خودشان وشرکت‌های مشاور افغانستان اگر کمتر از سه‌میلیارد و ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب به دشت سیستان وارد شود، فاجعه زیست‌محیطی در منطقه اتفاق می‌افتد. فرض کنید افغانستان جلوی آب را بگیرد وبخواد ۸۳۰ میلیون مترمکعب آب به ایران بدهد، این میزان هیچ‌دردی از سیستان را دوا نمی‌کند. این معضل در ارتباط با شکل قراردادی است که افغانستان را مجاب می‌کند به ایران آب بدهد. این آب در آن زمان صرفاً برای کشاورزی و آشنامیدن دنظر گرفته شده بود، نه تالاب هامون که خود به‌تنهایی میلیاردها مترمکعب آب نیاز دارد تا بتواند جامعیت و سلامت اکوسیستم را حفظ کند. به اعتقاد من و تمام مسئولان ایرانی و افغانستانی و سازمان‌های بین‌المللی در ارتباط با بقای اکوسیستم دریاچه هامون- که یک اکوسیستم منحصربه‌فرد در دنیااست- علاوه‌بر این حقیقه‌ای که مورد قبول هر دو کشور ایران و افغانستان است، باید حقیقه خاص زیست‌محیطی برای دریاچه هامون دنظر گرفته شود. «

تنها مسیر نجات، مسیر دیپلماسی است

این استاد دانشگاه ادامه داد: «با توجه به برنامه‌های بهره‌برداری یکجانبه افغانستان از آب‌های مشترک (منظور صرفاً رود هیرمند است) فاجعه زیست‌محیطی به‌مراتب شدیدتری از آنچه گذشت را در سیستان شاهد خواهیم بود. راه‌های مختلفی وجود دارد و بستگی دارد دو کشور چطور خواهند پی‌رامون مشکلات اساسی و زیست‌محیطی در سطح منطقه و جهانی مذاکره کنند. درخصوص بحث آب افغانستان به چند گروه تقسیم می‌شود، برخی مخالف مذاکره هستند، یک‌سری می‌گویند مذاکره صورت پذیرد، ولی بعد از تکمیل سدها تا مساله آب را به‌عنوان اهرم فشار داشته باشیم. عده‌ای اعتقاد دارند باید مذاکره هرچه زودتر انجام شود، آمریکایی‌ها و کشورهای خارجی می‌روند و ما با همسایه خود سروکار داریم. این وحدت نظر در ارتباط با چگونگی مذاکره نیست. آنچه من تاکنون بررسی کرده‌ام، متأسفانه تا این لحظه افغانستان برای حل معضل دریاچه هامون به‌صورت جدی وارد مذاکره نشده، بلکه به یک‌سری بهانه متوسل می‌شود که سندیت ندارد. آن کشور باید به

وضعیت فعلی نتیجه مجموعه‌ای از عملکردها و ضعف دیپلماسی است

در ادامه سمیه رفیعی، رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی هم در ارتباط با ماجرای گردوغبار در بلوچستان و همچنین مساله هلیل‌رود در کرمان و آسیب به کشاورزی جنوب این استان به «فرهیختگان» گفت: «روز یکشنبه جلسه مفصل کارشناسی درباره هامون داشتیم. منشأ این گردوغبار بررسی شد. این بحث آبیگری سد کمال‌خان و سیاست‌هایی که افغانستان داشت، خیلی موثر است و نمی‌توان تأثیر آن را نادیده گرفت

به‌خاطر اهداف کوتاهمدت اقتصادی، اقتصاد کشاورزی را از بین می‌برند

رفیعی در پاسخ به این سوال که چرا در کرمان اصرار بر انتقال آب از هلیل‌رود است، گفت: «دربراره هلیل‌رود هم نمی‌دانم چرا اصرار دارند که این آب منتقل شود. مکرر و مداوم از گروه‌های مردمی، از گروه‌های جهادی، کشاورزان سنتی و... گزارش دارم که جلوی انتقال آب را بگیرید. با اینکه نماینده

به سیستان می‌دهد. درواقع آبی که می‌دهد بخش زیادی به‌طور غیرمستقیم به مردم خودش در ایران برمی‌گردد. اگر سیستان آباد داشته‌باشیم، نیمروز آباد خواهیم داشت. اینها در راستای دیپلماسی آب و منافع مشترک است. گردوخاکی که در دریاچه هامون به‌دلیل از بین رفتن پوشش گیاهی تالاب ایجاد می‌شود، در درجه اول خود سیستان در ایران و سپس افغانستان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. علاوه‌بر اینها شهرهای زاهدان موثرند و ردپای گردوخاک دریاچه هامون را در ایرانشهر و سراوان هم می‌بینیم. همچنین مناطقی از بلوچستان پاکستان هم تحت‌تأثیر گردوخاک ناشی از دریاچه هامون است. این دریاچه یک زیستگاه طبیعی است و سازمان بین‌الملل درخصوص محیط‌زیست آن را یک اکوسیستم منحصربه‌فرد می‌داند و از نظر تنوع زیستی یک دریاچه در منطقه‌ای کوبری است که در بحث مهاجرت پرندگان و تنوع زیستی بسیار مهم‌تر است و به اعتقاد بنده معقل دریاچه هامون را باید جدای از آب کشاورزی و شرب سیستان ببینند. این پروژه و مشکل زیست‌محیطی بین‌المللی است، نه اینکه فقط خاص ایران و مردم سیستان باشد. اگر اقدامی نکنند فردا برای این کار دیر است.»

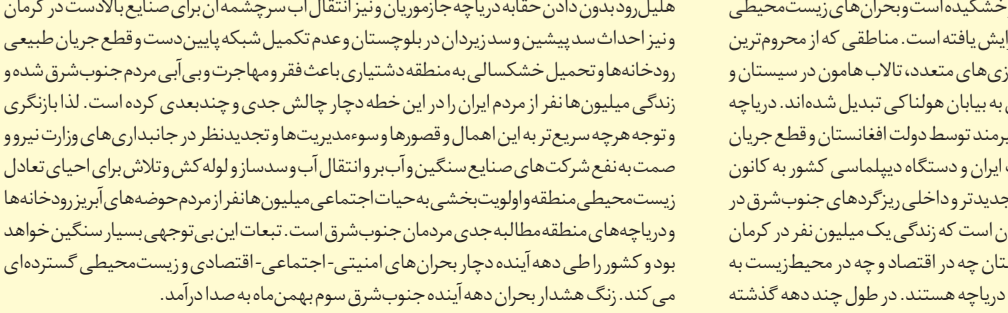
ضعف دیپلماسی باعث شده این اتفاق درمجموع رخ دهد. اثرات اقدامات خود را محاسبه نکردیم که بینیم این دایک خاکی که زدیم، جاده‌هایی که احداث شده و دیوار مرزی که ساخته و باعث شده حجم آبی را از دست بدهیم و خودمان اجازه نمی‌دهیم این آب وارد ایران شود، همه اینها را محاسبه نکرده‌ایم. اینها مسائلی است که باید به آنها بپردازیم و باید مطالعات آنها را زودتر انجام دهیم و سهم هریک از اینها باید مشخص شود. کم‌اینکه به‌نظر من خیلی‌ها به داخل برمی‌گردد؛ نکته دیگری هم وجود دارد اینکه ما اصلاً در حوزه آبی یکپارچه عمل نکرده‌ایم، یعنی تصمیمات بخشی بود. نهایتاً آثار این بخشی‌نگری‌ها را مردم و محیط‌زیست تاوان می‌دهند. «

بابت این انجام می‌شود. مردم از این بابت ناراضی هستند، ما هم ناراضی هستیم. به‌جهت محیط‌زیست و حتی اقتصادی صرفه ندارد که برای یک‌سری از اهداف اقتصادی کوتاه‌مدت کشاورز پایدار خود را که پایه اقتصاد کشاورزی است، از بین می‌بریم.»

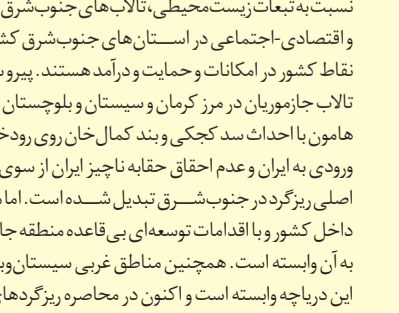
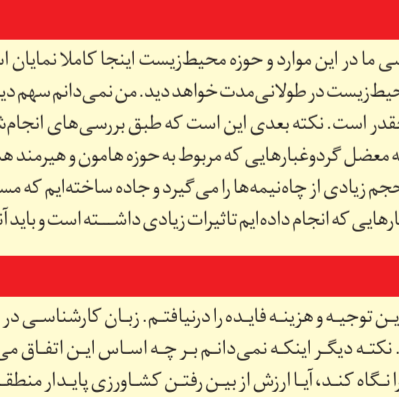
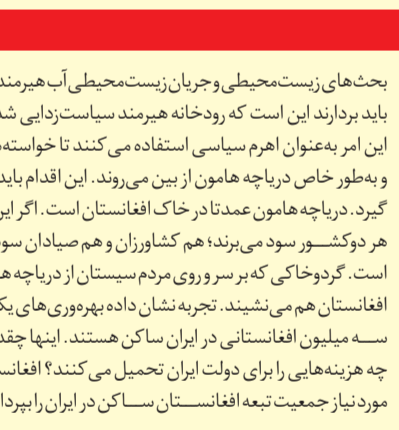
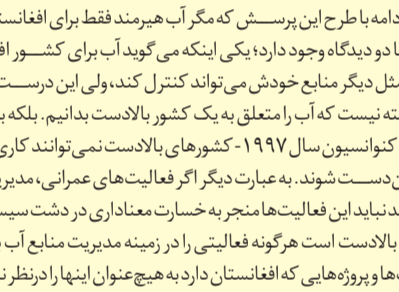
بحران ریزگرد؛ آینده بحرانی جنوب شرق

وقتی سلامت، معیشت و طبیعت قربانی توسعه افسارگسیخته می‌شود

بیش از ۳۰ سد مخزنی کوچک و بزرگ روی هلیل‌رود ساخته شده است. میزان برداشت آب از هلیل‌رود در جنوب‌شرق کشور به‌شدت افزایش پیدا کرده است. فعالیت‌های معدنی در سرچشمه هلیل‌رود افزایش پیدا کرده و طرح‌های انتقال آب مدام و بیوسته درحال اجراست. حقیقه‌جازه‌موربان که حدود ۱۵۰ میلیون مترمکعب در سال است، نادیده گرفته‌شده و به‌صنعت و معادن اختصاص داده می‌شود. بیش‌تر سال ۷۱ نیز سد جیرفت ساخته شد، بخشی از آب رودخانه به‌پور و رودخانه هلیل‌رود را به جازموربان می‌ریختند و قرار بود یک دریاچه برای ورود دائمی آب به این تالاب اختصاص داده‌شود ولی از روزی که سد افتتاح شد، هیچ آبی به این تالاب از سد جاری نشد. وزارت نیرو در کنار دستگاه دیپلماسی با عدم احقاق حقیقه هامون از افغانستان و عدم برنامه‌ریزی برای تامین نیازهای افغانستان و نیز احداث سدهای متعدد روی هلیل‌رود بدون دادن حقیقه دریاچه جازموربان نیز انتقال آب سرچشمه آن برای صنایع بالادست در کرمان و نیز احداث سد پیشین و سد زبردان در بلوچستان و عدم تکمیل شبکه پایین‌دست و قطع جریان طبیعی رودخانه‌ها و تحمیل خشکسالی به منطقه‌دشتیاری داده‌شود و بی‌آبی مردم جنوب‌شرق شده و زندگی میلیون‌ها نفر از مردم ایران را در این خطه چار چالش جدی و چندبعدی کرده‌است. لذا بان‌نگری توجه‌هرچه‌سر‌یع‌تر به این اهمال و قصورها و سوء‌مدیریت‌ها و تجدیدنظر در جانبداری‌های وزارت نیرو و صمت به نفع شرکت‌های صنایع سنگین و آب‌بر و انتقال آب و سدساز و لوله‌کش و تلاش برای احیای تعادل زیست‌محیطی منطقه‌واولویت‌بخشی به حیات‌اجتماعی میلیون‌ها نفر از مردم حوضه‌های آبریزرودخانه‌ها و دریاچه‌های منطقه‌مطالبه‌جدی مردمان جنوب‌شرق است. تبعات این بی‌توجهی بسیار سنگین خواهد بود و کشور را طی دهه آینده دچار بحران‌های امنیتی-اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی گسترده‌ای می‌کند. رنگ هشدار بحران دهه آینده جنوب‌شرق سوم بهمن ماه به صدا درآمد.



دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان، در جنوب شرقی ایران، دریاچه‌ای است که در طول چند دهه گذشته



دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان، در جنوب شرقی ایران، دریاچه‌ای است که در طول چند دهه گذشته